



یادداشت‌هایی  
از عصر پهلوی



علی اصغر حکمت  
استاد ممتاز دانشگاه



یکپارچگی

ملت ایران

۱۴



قسمت چهارم

علی اصغر حکمت

که همواره نسل جوان را برای زندگانی و حیات آماده می‌سازند. از اینجاست که نظام واحد آموزشی ضامن حیات ملت و سبب تکامل و بقای نسل‌های آینده می‌باشد.

مردم ایران هم از عهد باستان به کسب علم و طلب دانش موصوف و ازبرکات دانش و بینش برخوردار بوده‌اند. هوش و

وحدت نظام آموزشی :

ششمین اصل از اصول اساسی وحدت ملی هر کشور همانا وحدت نظام علمی و بیست دستگاه تعلیم و تعلم و قاعده نشر دانش و معرفت است.

ملل راقیه قواعد و نظام تربیتی برای گسترش و انتشار علم و دانش وضع کرده‌اند

هنک ذاتی این قوم پیوسته ایشانرا بدانش طلبی و علم آموزی هدایت می کرده است . گر چه از چگونگی نظام تعلیم و تعلم در عصر باستان یعنی از دوره هخامنشی و اشکانیان بطور تفصیل اسناد زیادی در دست نیست . اما آثار باستانشناسی و وجود خط و کتابت و رونق فراوان معماری و مهندسی نشان دهنده معارف ایشان است و معلوم است که در پایتخت ها و شهرهای بزرگ خود چون استخر و شوش و اکباتان و غیر آن و سپس بابل و مدائن نشر علوم و معرفت بسط و انتظامی کلی داشته است و شاهنشاهان باستان در توسعه علم و معرفت می کوشیده اند و دانشمندان و مهندسان و حکیمان و پزشکان و مخصوصاً طبقه موبدان رهبر دینی بوده اند که نزد ایشان منزلتی رفیع و مقامی ارجمند داشته اند .

این روش فرخنده از اواخر عهد ساسانی که اسناد کتبی فراوان از آن در دست است و حکایت از تأسیس مدرسه جندی شاپورو آوردن حکما و علما از یونان و روم بدارالملک خود و هم چنین ترجمه کتابهای بسیار از زبانهای دیگر اطلاعات کاملی از دانش طلبی و علم آموزی مردم ایران قبل از تاریخ اسلام حاصل می شود ترجمه کتاب کلیله و دمنه در عهد خسرو انوشیروان یک نمونه از آن همه است که از زبان پهلوی بعدها به عربی ترجمه شد و از عربی بدیگر السنه جهان راه یافت .

بعد از طلوع تمدن اسلامی ایرانیان

از قرن اول هجری بعقروی از تعلیم اسلام که حتی دانش را از گهواره تا گور فریضه ساخته و طلب علم را ولو در کشور چین واجب دانسته است بهره ور شده و پنج قرن متوالی دستگاه تعلیم و تعلیم بحد کمال انتشار یافت . شعله فروزان علم در ایران قبل از حمله مغول پیوسته روشن و تابناک بود به طوریکه ایران در این دوره جانشین یونان در اعصار گذشته گردید .

در طول تاریخ کشور ما همچنان تا این زمان که قرن چهاردهم هجری است یک روش و قاعده معظم و ثابتی در کسب علم برقرار می کند که بر پایه اختراع فکر آنان و بر روی استقلال سیاسی آن کشور برقرار است در این دوره و در پرتو این نظام است که بزرگانی چون ابونصر فارابی و ابن سینا شیخ الرئیس و رازی و امام غزالی و خواجه طوسی و صدها علماء معاصر آنها میراث علم هر نسل را بدست نسل دیگر سپرده اند . این روش منظم که از تعلیم الفبا در مکتب خانه شروع می شد و به تعلیم علوم عالییه فقه و حکمت و ادب و حساب و هندسه و نجوم و طب در مدرسه ها انجام می گرفت تکلیف جوانان ایران را معلوم و معین می ساخت و بالاخره در قرن سوم به بعد کوکب درخشان دانش همچنان در این افق مبارک طالع است که ان شاء الله جاویدان و فروزان باد .

در قرن هیجدهم و نوزدهم میلادی که

شاهد علم و دانش در ممالک مغرب زمین

نقاب از چهره دلارای خود گشود نظام علمی اروپا در ایران نفوذ کرد گرچه در اوایل قرن نوزدهم کشور ایران دچار درماندگی و شکستهای سیاسی و اقتصادی شده در اثر جنگهای فرساینده روس و ایران خسته و ناتوان شده بود ولی در اواسط آن قرن قد بر افراشته و بزرگان و رهبران ملك سعى كردند كه در وطن خود نیز نظام جدیدی بسبك ممالك فرنگستان بوجود آورند كه یکی از آثار مبارك مساعی ایشان تشکیل مدرسه دارالفنون در تهران (۱۲۶۸ ق) و مدرسه نظام در تبریز بود. و این چراغ كه در آن افق تاریك روشن شد همچنان بر تابش و درخشندگی روزافزونی جلوه گر گردید.

در ۱۳۱۸ ق در تهران و سپس در شهرهای بزرگ دبستانها و دبیرستانهای جدید بسبك و نظم ممالك اروپا جانشین مکتب خانهها و مدرسهها گردید.

پس از انقلاب ایران (۱۳۲۴ ق) و استقرار رژیم مشروطیت وزارت مستقلى بنام «معارف» در قانون اساسی پیش بینی کردند و وزرای معارف از آن زمان پیوسته به توسعه مدارس ابتدائی و متوسطه میکوشیدند و تدوین برنامههای سالیانه از آثار آن زمان است و نیز تدریجاً در تعلیم و تدریس علوم عالییه و فنون نظام و طب و حقوق اساسی پیشرفته و ترقی بوجود آمد كه به موازات مدارس قدیم كه محدود به علوم معقول و منقول بود جوانان مستعد را تربیت

می کردند ولی دوره شانزده ساله هرج و مرج كه حكومت مركزی دچار ضعف و ناتوانی شده بود پیشرفت نمایانی در كار توسعه تعلیم و تعلم ظاهر نشد و به مدارس ابتدائی و متوسطه كمك و یاری قابل توجهی از طرف دولت مبدول نمی شد.

از مفاخر عصر درخشان پهلوی كه از اول قرن چهاردهم هجری شمسی از افق ایران دوره جدیدی آغاز نهاد معارف و تعلیمات ابتدائی و متوسطه در مركز ولایات روز افزون رو به توسعه و پیشرفت و مقدمه تعلیم مجانی عمومی را مانند سایر ملل راقیه فراهم می ساخت ، تا سرانجام در آن عصر فرخنده دانشگاه تهران نمایان گشت ، (۱۳۱۳ ش).

نظام نوین آموزش و پرورش عمومی يك دوره اعتلا و سر بلندی را آغاز نمود كه اینك آثار مبارك آن از عنایت شاهنشاه آریامهر توسعه و كمال شایان حاصل کرده است كه شرح آن الحق در خور كتاب مفصل دیگری است. رضا شاه كه پیرم از بدو زمامداری خود كه مدارس نظام را تأسیس فرمود به تممیم اصلاحات عمومی و تكثیر افزایش دبستانها و دبیرستانها توجه خاص داشت بطوریکه اندكى بر نیامد كه برنامه تعلیمات دوره های ابتدائی و متوسطه در سراسر مملكت حتی در اقصی نقاط سرحدی از آذربایجان تا بلوچستان و از بوشهر تا سرخس در مدارس نوساخته به عمل گذاشته شد . نگارنده بیاد دارم كه در مهر ماه ۱۳۰۲ رضا شاه بسمت نخست وزیر ایران

دولت جدید خود را تشکیل داده بود مدرسه عالی حقوق با برنامه مخصوصی در عمارت «خلوت کریم خانی» جنب قصر گلستان افتتاح می یافت و جمعی کثیر از اعیان و وزرا و نمایندگان و دانشمندان بدعوت وزیر دادگستری در آن مجلس بزرگ تجمع کردند شخص شخیص ایشان جلسه را افتتاح فرمودند و در ضمن نطق مؤثری که بیان کردند گفتند: «من با اعتماد ملت ایران سعی میکنم که مدارس عالی در این مملکت بسیار تأسیس شود.» و در این نطق تکیه بر کلمه پشتیبانی ملت مخصوصاً جلب بوجه خاص کرد.

بالاخره در اطراف و اکناف مملکت مخصوصاً در ولایات دور دست مرزی که اغلب مردم بزبانهای محلی مانند ترکی و عربی و کردی و بلوچی تکلم میکردند تعلیم زبان دری فصیح پیش آهنگ آن دوره مبارک بود که عموم مردم ایران از لطائف زبان اصلی خود بهره ور گشتند و از شهرها گذشته در روستاها و در میان فیلات و عشایر چادر نشین انتشار یافت. در همه این دبستانهای نو بنیاد فرزندان اغنیا و سرمایه داران هم دوش دهقانان و صحرا نشینان بر اساس یک برنامه تعلیم می یافتند.

هم‌عنان با مساعی وزارت معارف که همه ساله بر بوجه آن افزوده میگشت توسعه انتشارات و طبع کتب علمی و ادبی و ایجاد روزنامه‌های بزرگ یومیه مانند اطلاعات و غیره به توسعه معارف یاری میکرد همه این عوامل استحکام بسیار و پایه استواری وحدت ملی ایران گردید.

در زمان ایشان وزارت معارف مانند شادروان ابراهیم حکیمی «حکیم الملک» و احمد بدر «نصیر الدوله» و یحیی خان اعتماد الدوله هر کدام بنوبه خود در توسعه معارف کوشا و ساعی بودند و وقتی که نوبت خدمت باین نگارنده رسید مدت پنج سال (۱۳۱۷-۱۳۱۲ زمینه) عمل را از مساعی جمیله سابقین فراهم دیدم و شاهنشاه بزرگ تأییدات خاص خود را متوجه و پشتیبانی فرمودند و بوجه معارف که در حدود شصدهزار تومان در سال ۱۳۰۴ بود به ۲ میلیون تومان افزایش یافت و بر نامه مدارس عالی تنظیم و تدوین شد.

دانشگاه تهران باش دانشکده که دوتای آن فنی و علوم معقول و منقول، نو بنیاد بود نوبت تأسیس گردید (۱۳۱۳ ش). دبیرستانهای نو بنیاد در شهرها و قصبات با اصول فنی ساخته و پرداخته گردید.

اینک بحمداله ششمین رکن وحدت ملی ایران یعنی «وحدت نظام ملی» با استواری و استحکام گذاشته شده و روز افزون رو ب توسعه و افزایش است.

آفتاب دانش از طلوع صبح دولت پهلوی همواره رو بصعود و اعتلاء است. در پر تو عنایت مخصوص شاهنشاه آریامهر شماره دانش آموزان و دانش جویان حدودشش میلیون نفر رسیده است و با توجهی که شخص ایشان همه ساله میفرمایند دائماً پیشرفتهای جدید نصیب معارف کشور خواهد گردید.

این هنوز اول آثار جهان افروز است باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار.

## وحدت حکومت ملی:

هفتمین اساس و پایه يك پارچگی ملت که آنرا خلاصه و نتیجه عوامل شش گانه سابق میتوان شمرد همان وجود اصل «وحدت حکومت ملی» است یعنی مملکت بحدی از کمال و انتظام برسد که مردم آن خود لیاقت و اهلیت اداره آنرا حاصل کرده و کار خود را تنها خود بدست گرفته باشند.

در ممالک پیشرفته جهان وقتی بحقیقت دعوی و استقلال کرده اند که تمام سازمانهای حکومتی و با تشکیلات گوناگون مردم خود را از مؤسسات کشوری و لشکری، اقتصادی و اجتماعی بدست خود مردم نهاده اند و بیگانگان را اجازه نداده اند که بساحت قدس فرمان روائی در کشور خود قدم بگذارند این درست برخلاف بعضی ملل عقب افتاده است که اکنون در جهان وجود دارند آنها اگر چه با اسم «دولت مستقل» معرفی میشوند ولی در حق واقع زمام کار آنها بدست دیگران است. شاهد مثال مادر عصر حاضر بعضی از ملل افریقائی و آسیایی است که در نتیجه افکار آزادیخواهی و استقرار اساس حقوق بشر مستقل نامیده میشوند ولی هنوز که او آخر قرن بیستم است واقعیت نشان میدهد که زمام اختیار ایشان در دست ملل پیشرفته سفید پوست است با آنکه عضویت در سازمان ملل متحد حاصل کرده اند ولی رشته امور آنها بدست کارشناسان و مستشاران اجنبی است.

مردم وطن ما که تارخیم مشروطیت بسبکی و پرورش خاص خود کشور خود را اداره

میکردند و امور کشوری و لشکری و نظام اجتماعی و اقتصادی خود را برحسب فکر خود قرنها بشیوه خاص در دست داشتند و زرا و صدراعظمها و مسئولین مالیات و «خراج» مملکت را تحت اداره داشتند و قضاة و شیخ الاسلامها امور حقوقی و جزائی آنها را راه می بردند و نظم شهرها در دست محتسبها و شحنةها و داروغهها قرار گرفته بود و انتظام دهات و شاهراهها برعهده قرا سورانها سپرده شده رشته امور اقتصادی در کف ملاک و تجار و صرافها و کشاورزان بزرگ بود و جوانان به کسب علم و تعلم در مکتب خانهها و مدارس می پرداختند.

در اوائل قرن بیستم که حکومت ایران به صورت دموکراسی و به رژیم مشروطیت درآمد قهراً اوضاع اجتماعی دگرگون شد چون طبقه منور و روشنفکر سعی کردند که تمام سبکهای کهنه و مندرس را تغییر داده و اداره ایران به طرز نوین و به پیروی از ممالک مترقی اروپا تبدیل شود در اول مرحله به فقدان متخصص و کارشناس در تمام رشتهها برخورد کردند و به ناچار به استخدام مستشاران و کارشناسان خارجی متوسل شده و در حقیقت کار مملکت به دست آن بیگانگان افتاد. مالیات و گمرک به مستشاران بلژیکی و بعد آمریکائی سپرده شد برای امور قضائی و تشکیلات حقوقی و جزائی مستشار از فرانسه آوردند برای تأمین و نظام شهرها و شاهراهها افسران سوئدی استخدام کردند. اداره پست که از

مؤسسات نو بنیاد بود به دست کارشناسان بلژیکی افتاد و اداره تلگراف سراسری ایران که « به خط هند و اروپا » نامیده می شد به ضرورت و اجبار مأمورین انگلیسی عهده دار شدند .

« قشون » ایران نیز به دست صاحب-منصبان افسران خارجی از روس ( قزاق در شمال ) و انگلیس ( پلیس جنوب ) سپرده شد . در امر بهداشت عمومی و طب به جای حکیم باشی ها و جراح های قدیم از اطباء جدید مختلف فرانسوی و اطریشی و غیره استخدام شد .

آقایان مستشارهای تازه وارد که تحفه و ارمغان دوره هرج و مرج بودند بساط و مسند مأمورین و کارگزاران قدیم را برچیده و به جای آن میز و صندلی مدرن قرار دادند . بالاخره از حقیقت دولت ایران جز اسمی باقی نماند و هیئت های دولت که پیاپی تشکیل می شدند به ناچار تابع آن آقایان بودند .

رضاشاه کبیر هم از آغاز ظهور دولت خود در ۱۲۹۹ شمسی اول همه « دیویزیون » قزاق را از وجود افسران روسی تصفیه نمود و پس از آن پی در پی به بیرون کردن مستشار-های اجنبی و سپردن کار به دست کاردانان ایرانی پرداخت . وی قلباً و روحاً مخالف وجود مستشار خارجی بود پس از اخراج افسران روسی عذر صاحب منصبان انگلیسی را در جنوب ایران که به نام (اس-پی-آر) معروف بود خواسته و آنها را روانه دیار

خود کرد .

ایشان در حوت ۱۲۹۹ که امور مملکت را به دست آهنین خود گرفتند چه در زمان وزارت جنگ و چه موقع ریاست وزرا و بمد مقام فرماندهی کل قوا و رتبه اعلای سلطنت ( ۱۳۰۴ ) ارتش ایران که ارتش متحدالشکل و به کلی ملی بود با عزم قوی و اراده راسخ بوجود آورد و آنرا از وجود مستشاران رنگارنگ ادارات کشوری که از اروپا و آمریکا آمده و بر مملکت حکومت می کردند تصفیه نمود و خلاصه استقلال حقیقی پیدا کرد و اصل هفتم وحدت ملی یعنی حکومت ملی به همت آن مرد بزرگ برقرار شد .

نویسنده به خاطر دارم که پس از خاتمه دادن به کنترات مستشاران آمریکائی (میسون دکتور میلیسپو) به وزارت دارائی دستور دادند که گمرکات و پست را از دست بلژیکی ها گرفته و به دست عمال ایرانی بسپارند .

یک روز به خاطر دارم که برای کاری به دفتر مرحوم علی اکبر داور وزیر دارائی رفته بودم ایشان را بسار مسرور و شادمان یافتم سبب آنرا سؤال کردم گفتند الان قبل از آمدن شما تمام مستشاران گمرک را احضار کردم و بر حسب امر شاه به آنها اطلاع دادم که کنترات آنها تمام شده و دیگر تجدید نخواهد شد آنها نیز به ناچار پذیرفتند اکنون با کمال اطمینان خوشوقتم که تمام گمرکات ایران در شمال و بنادر

جنوب و در مشرق و غرب به دست، مأمورین ایرانی سپرده می‌شود هم چنین نویسنده باز به خاطر دارم که بعد از اکتشاف الواح طلا و نقره یا کتیبه داریوش در شالده کاخ آپادانا چون تعداد زیادی به تدریج اشیاء عتیقه سلطنتی از اطراف مملکت کشف شده و همه را در کاخ مرمر انبار کرده بودند ایشان امر فرمودند که آنها را منظم نمایم. بنده نیز اطاق وسیعی در کاخ مرمر برای موزه سلطنتی انتخاب کرده و قفسه‌ها و میزهای لازم برای این مقصود تهیه شد و آن اشیاء بطور منظم در قاعده قدمت تاریخی هر يك در محل خود گذاشته شد. روزی که این امر را به نویسنده این سطور می‌فرمودند در آخر کلام شاهانه فرمودند: «... ولی برای تنظیم این موزه هیچ مرد خارجی نباید به‌خانه من بیاید...» من استنباط کردم که نظر ایشان به مستشار فرانسوی موزه ملی (اندره گدار فرانسوی) است و جدا عزم فرموده‌اند که کار موزه سلطنتی به دست کارشناسان ایرانی انجام شود و لاغیر.

اینک که افزون از پنجاه سال از آن زمان فرخنده همایون می‌گذرد بحمدالله عناصر ایرانی در تمام شئون و فنون لیاقت و افتخار و هوش خدادادی خود را ظاهر ساخته و تمام امور کشور را در تمام فنون مختلف خود آنها اداره می‌کنند این است که اصل وحدت حکومت ملی که نتیجه و مولود وحدت ملی ماست بحمدالله میسر و حاصل شده است.

دوران آخرین اثر وجود بیگانگان در وطن عزیز ما بحمدالله با اخراج کمپانی‌های شرکت ملی نفت خاتمه یافته و عمل استخراج و تصفیه و توزیع و فروش

اینک این ثروت ملی در داخله و خارجه به کلی به‌همت بلند و عزم راسخ شاهنشاه آریامهر اینک به دست ایرانیان سپرده شده است. از خداوند طول عمر و نظام قدرت شاهنشاه و رهبر عزیز ملت ایران رامسئلت داریم تا اینکه پیروزمندان سالیان دراز کارهای مملکت به دست مأمورین و کاردانیان ایرانی ثابت و برقرار بماند و اگر احياناً اندک اثری در کار استخراج معادن و ذوب فلزات در گوشه و کنار مملکت ازمتمخصین خارجی یافت می‌شود آن نیز به‌همت بلند و قدرت خدادادی خود پاك و منزه شود.

\*\*\*

اکنون که یادداشت‌های مادر باره يك پارچگی ملی ایران به دست رضاشاه کبیر خاتمه می‌یابد يك وحدتی که به دست او شروع و بعهد فرزند برومند ایشان ادامه یافته است ختام کلام را از يك میراث گرانبها که از دیرباز از پدران ما به فرزندان این خاک رسیده است یاد کنیم: آن رمز مقدس باستانی که محبت آن در دل و جان هر ایرانی پاك نژاد جای به تقدیس و تعظیم آن از صمیم قلب مشغول است همانطور که در قلب آگاه شاهنشاه جای دارد همانا پرچم همایون سه رنگ شیر و خورشید می‌باشد که ایران بدان در گذشته سربلند و در آینده نیز جاودانی و پایدار خواهد بود.

آخرین یادداشت بنده نویسنده حکایتی است که از درجه محبت قلبی آن مرد بزرگ به پرچم ایران اشاره می‌نماید. در سال ۱۳۲۱ ایام غم‌انگیزی که در ژهانسبورگ (جنوب آفریقا) دور از وطن خود به‌سرمی‌بردند به فرزند ارجمند خود شاهنشاه آریامهر که به‌مبارکی بر